

## نقش امام حسن عسکری علیه السلام در آماده‌سازی جامعه شیعی برای دوران غیبت

علی اصغر ثنائی<sup>۱</sup>

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۹/۱۴

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۷/۱۰

### چکیده

غیبت امام و عدم دسترسی مستقیم امت به امام و آماده‌سازی جامعه شیعی برای ورود به دوره غیبت حضرت مهدی علیه السلام از جمله مسائلی است که نیازمند ایجاد مقدمات توسط امامان به ویژه امامان متأخر (ابناء الرضا) می‌باشد. هر چقدر به آغاز این دوره از فصل جدید که همان عدم دسترسی مستقیم شیعیان به امام خود نزدیک‌تر می‌شویم. شرایط برای امامان آماده‌ساز این مرحله مشکل‌تر به نظر می‌رسد. تحقیق پیش رو درصدد پاسخ به این پرسش اصلی است که نقش امام حسن عسکری علیه السلام در آماده‌سازی جامعه شیعی برای عصر غیبت حضرت قائم علیه السلام به چه میزان و چگونه بوده است؟ نتیجه توصیف و تحلیل متون تاریخی و حدیثی، در بررسی فعالیت‌ها و آموزه‌های امام حسن عسکری علیه السلام فرضیه نویسنده را تأیید می‌کند که امام حسن عسکری علیه السلام با توجه به شرایط موجود جامعه و عصر حاکم به عنوان آخرین امام در این دوره نقش مهمی در ترسیم و تبیین درست زوایای مختلف غیبت حضرت مهدی علیه السلام و آماده کردن شیعیان قبل از آغاز دوره غیبت داشتند.

واژگان کلیدی: امام حسن عسکری علیه السلام، دوران غیبت، حضرت مهدی علیه السلام، جامعه شیعی.

### مقدمه

بیان موضوع مهدویت از ناحیه پیامبر صلی الله علیه و آله جامعه اسلامی را همواره به حساسیت در این

۱. پژوهشگر تاریخ تشیع دفتر تبلیغات اسلامی قم، ایران (sanae1143@gmail.com).

موضوع رهنمون ساخت. به طوری که ترسیم آینده اسلام برای مطلعین بدون در نظر گرفتن مسئله مهم غیبت و ظهور حضرت حجت عجل الله تعالی فرجه الشریف متصور نبود. از این رو، پس از رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله هر از گاهی، عده‌ای بودند که خود را مهدی و دیگرانی بودند فردی را قائم می‌پنداشتند. امامان شیعه که به خوبی با شخصیت قائم آشنا بودند. همواره تلاش می‌کردند که موضوع مهدویت را در چارچوب آموزه‌های اصیل اسلامی با هدف صیانت از اعتقاد راستین حفظ کرده و به تبیین درست آن بپردازند. سئوالات متعددی که همواره ذهن جامعه اسلامی به خصوص شیعیان را نسبت به آینده مشغول می‌کرد. این که مهدی کیست؟ فلسفه غیبت او چیست و چقدر به طول خواهد انجامید؟ و وظیفه شیعیان در دوران عدم دسترسی به امام چیست؟ این وظیفه‌ای بود که بر دوش امامان به ویژه امامان متأخر و در نهایت امام حسن عسکری علیه السلام به عنوان آخرین امام قبل از آغاز دوره غیبت، سنگینی می‌کرد. آنچه خواهد آمد، تبیینی از اقدامات امام حسن عسکری علیه السلام برای آماده‌سازی جامعه شیعی در مواجهه با مسئله غیبت است.

اهمیت این مسئله از آن روست که هنوز جامعه شیعی، در عصر غیبت به سر می‌برد و الگوبرداری از سیره ائمه متأخر در این زمینه به خصوص امام حسن عسکری علیه السلام برای صیانت جامعه شیعی از هر نوع انحراف در مسئله مهدویت هنوز هم کارا خواهد بود.

به رغم تلاش گسترده محققان و پژوهشگران در نگاشت سیره امامان شیعه علیهم السلام ولی سهم امام حسن عسکری علیه السلام در میان ۱۴۲۰۶ اثر اعم از فارسی، عربی، اردو و لاتین فقط ۶۴ عنوان می‌باشد. (پیشوائی، ۱۳۷۶ ش: ۱۸) اگر چه همین تعداد نیز از تحقیقات ارزشمند و در جای خود قابل تقدیر است. ولی موارد فوق هیچ یک به شکل تخصصی به موضوع نقش امام حسن عسکری علیه السلام در آماده‌سازی شیعیان برای عصر غیبت اشاره نکرده‌اند. این امر ضرورت این تحقیق را بیش از پیش نمایان می‌سازد.

هدفی که این تحقیق دنبال می‌کند در ادامه سلسله تحقیقات و واکاوی فعالیت‌های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی امامان متأخر بعد از امام رضا علیه السلام مشهور به ابناء الرضا علیهم السلام، به نقش امام حسن عسکری علیه السلام از منظر آماده‌سازی جامعه شیعی در دوره غیبت برای الگوبرداری جامعه کنونی شیعی است.

این گونه واکاوی بدون شناخت بسترهای سیاسی، اجتماعی و فرهنگی جامعه معاصر امام حسن عسکری علیه السلام میسر نیست.

## وضعیت سیاسی و اجتماعی عصر امام عسکری علیه السلام

ابوالعباس عبدالله بن محمد مشهور به سفاح با شعار حمایت از خاندان رسول خدا صلی الله علیه و آله حکومت عباسیان را پی‌ریزی کرد. ظلم و جنایات حکام این سلسله تا جایی پیش رفت که برخی آرزوی بازگشت حکومت امویان را در سر می‌پروراندند. شهادت شش امام یعنی از امام صادق علیه السلام تا امام حسن عسکری علیه السلام، به دست عوامل این سلسله مهر تأیید دیگری بر جنایات حکام بنی‌عباس است.

### الف) وضعیت سیاسی

دوران امام حسن عسکری علیه السلام هم عصر با سه خلیفه بنی‌عباس بود. اولین خلیفه معتز بالله فرزند متوکل عباسی است. او پس از برکناری مستعین بالله در سال ۲۵۲ ق زمام امور را به دست گرفت. (ابن اثیر، ۱۳۸۵ ق: ج ۷، ۱۶۷) از مهم‌ترین ویژگی‌های این دوره قدرت و اختیار و تسلط و نفوذ ترکان در حاکمیت بود به طوری که خلیفه مطیع آنان بود. همین وضعیت باعث درگیری و اختلافات زیادی گشت که در نهایت معتز بالله به دست ترکان کشته شد. (همان: ۱۹۵) و پس از او دوره خلافت مهتدی بالله دومین خلیفه معاصر با امام حسن عسکری علیه السلام آغاز شد. (همان)

اقدام به زندانی کردن امام حسن عسکری علیه السلام با هدف اذیت و آزار امام در زندانی مثل زندان صالح بن وصیف و حتی تصمیم به قتل آن بزرگوار از جمله مهم‌ترین اقدامات زمان مهتدی بالله بود. (مفید، ۱۴۱۳ ق: ج ۲، ۳۳۴)

قیام صاحب‌الزنج نیز از جمله شورش‌هایی است که در زمان مهتدی به وقوع پیوست. او خود را از ذریه اهل بیت علیهم السلام می‌دانست. (ابن اثیر، ۱۳۸۵ ق: ج ۷، ۲۳۷)

اما اعمال و رفتار او در تضاد با تفکر اهل بیت علیهم السلام بود. امام حسن عسکری علیه السلام در جهت خنثی‌سازی توطئه صاحب‌زنج شیعیان را بر حذر داشته و ادعای دروغین او را رسوا می‌نمودند. امام می‌فرمودند:

و صاحب‌الزنج لیس منّا اهل‌البیت (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹ ق: ج ۴، ۴۲۹؛ مجلسی، ۱۴۰۳ ق: ج ۵۰، ۲۹۳)؛  
او از ما نیست بلکه هیچ وقت نبوده است.

پس از مهتدی بالله معتمد بالله زمام خلافت را در دست گرفت و حدود چهار سال هم‌عصر با

حیات مبارک امام حسن عسکری علیه السلام می‌زیست. (ابن اثیر، ۱۳۸۵ق: ج ۷، ۲۳۵) مورخان او را فردی شراب‌خوار، عیاش و فاسد‌الرأی توصیف کرده‌اند. بدیهی است کسی با چنین عملکردی وضعیت خلافت و حکومتش چه خواهد بود. (مسعودی، ۱۴۰۹ق: ج ۴، ۱۳۱) معتمد مانند خلفای پیشین خود امام را تحت فشار و زندان قرار داد. او افراد سنگدلی مانند یحیی بن قتیبه و علی بن جرین را با هدف اذیت و آزار امام اجیر نمود. (مسعودی، ۱۳۸۴: ۲۵۳؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق: ج ۵۰۹، ۳۰۹)

قدرت عظیم و انسجام اجتماعی شیعیان در عراق از طرفی و آگاهی خلفای عباسی از ولادت فرزند امام حسن عسکری علیه السلام که نامش مهدی و آخرین امام شیعیان است از طرفی دیگر باعث اتخاذ شدیدترین تدابیر امنیتی در خصوص امام بود به طوری که ایشان را ناگزیر به این کرده بودند که در هر هفته روزهای دوشنبه و پنج‌شنبه در دربار اعلام حضور نماید. (مجلسی، ۱۴۰۳ق: ج ۵۰۹، ۲۵۱؛ امین، ۱۴۰۳ق: ج ۲، ۴۳)

#### ب) وضعیت فرهنگی اجتماعی

وضعیت فرهنگ جامعه نیز متأثر از سیاست خلفای عباسی مانند حاکمان آن هر روز از آموزه‌های اصیل اسلامی دورتر می‌شد. فاصله فرهنگ جامعه از اهل بیت علیهم السلام نتیجه دوری از حاکمیت الهی است. ولی در این میان هیچ‌گاه اهل بیت علیهم السلام از انجام وظایف اصلی و الهی خود دور نبوده و به میزان و مقدار توان در تحکیم فرهنگ اسلامی کوشش می‌کردند. در کنار انجام وظایف الهی و راهنمایی شیعیان و تعمیق بخشی به فرهنگ اسلامی توسط امامان شیعه آماده‌سازی درست و هوشمندانه در جامعه اسلامی خصوصاً شیعیان به منظور فراهم شدن زمان غیبت یکی از مهم‌ترین اقدامات امامان (ابناء الرضا) به خصوص امام حسن عسکری علیه السلام بوده است.

#### اقدامات امام برای زمینه‌سازی

اقدامات عملی امام ناظر به برنامه‌ها و تلاش‌های هدفمندی است که نتیجه آن زدودن و کمرنگ نمودن جریانات انحرافی است که در نتیجه تقویت روابط اجتماعی شیعیان به دنبال دارد. این نتیجه سبب خواهد شد تا شیعیان پذیرش دوره غیبت امام را در بستر اعتقادی بپذیرند و آسیب آن به حداقل کاهش یابد.

## الف) مبارزه با جریان‌ات انحرافی

آماده‌سازی جامعه شیعی برای عصر غیبت بدون مقابله با جریان‌ات فاسد اعتقادی که همواره ایمان و باورهای شیعیان را نشانه رفته کاری بیهوده است. با توجه به جایگاه امام حسن عسکری علیه السلام و نقش بی‌بدیل او در اتصال جریان امامت به عصر غیبت از جمله مهم‌ترین اقدامات امام در عرصه علمی جامعه شیعی برای زدودن باورهای انحرافی، مبارزه با جریان‌ات اعتقادی منحرف بود.

### ۱. واقفیه

واقفیه از جمله افرادی بودند که بعد از شهادت امام کاظم علیه السلام به وجود آمدند. این گروه امامت علی بن موسی الرضا علیه السلام را نپذیرفته و قائل شدند که امام کاظم علیه السلام نمرده و تا قیامت نخواهد مرد. (بحرانی، بی‌تا: ۱۹۹)

انگیزه اصلی ترویج‌دهندگان و قائلین این جریان دنیاطلبی بوده، لذا با جعل روایات و سوءاستفاده از آن سبب انحراف عده‌ای از شیعیان پس از امام کاظم علیه السلام شدند، امامان بعد از موسی بن جعفر علیه السلام همواره در مقابل این جریان به شدت مقابله می‌کردند. تنویر افکار عمومی جامعه شیعه با تبیین وجوه انحرافی از ناحیه امام و اقدامات عملی در این زمینه از جمله مهم‌ترین اقدامات امامان در مقابله با این‌گونه فرقه‌های انحرافی بودند.

زمانی که از امام جواد علیه السلام در خصوص نماز خواندن پشت سر این گروه سؤال شد، امام، شیعیان خود را از این کار نهی کردند. (ابن بابویه، ۱۴۱۳ق: ج ۱، ۳۷۹)

اهمیت این منع، زمانی بهتر و بیشتر روشن می‌شود که بدانیم ائمه اطهار علیهم السلام در برخی موارد شیعیان را توصیه می‌کردند که برای حفظ یکپارچگی مسلمانان پشت سر پیروان اهل سنت نماز بخوانند. در واقع، واقفیه کسانی بودند که به بهانه وقوف و ماندن بر امامت امام موسی کاظم علیه السلام، امامت فرزندان آن حضرت را انکار و با آنان مخالفت می‌کردند. امام جواد علیه السلام پیروان این فرقه را به لحاظ فهم و اندیشه در نزد افکار عمومی شیعیان به چارپایان بارکش تشبیه می‌نمودند و می‌فرمودند:

هُم حَمِيزُ الشَّيْخَةِ سِيسِ اَيْنَ اَيَّهٖ رَا تَلَاوَتَ مَيَّ كَرَدْنَد: اِن هَمَّ اِلَّا كَالانْعَامِ بِلِ هَمَّ اَضَلَّ سَبِيْلًا.  
(کشی، بی‌تا: ج ۲، ۷۶۱)

امام جواد علیه السلام صریحاً جریان زیدیه و واقفیه را در ردیف ناصبیان قرار می‌داد و آنان را از

مصادیق آیه «ووجه یومئذ خاشعة عاملة ناصية» اعلام می‌کردند. (همان)

ایجاد گروه انحرافی واقفیه اگرچه با انگیزه‌های مادی و دنیاطلبی گروهی از بزرگان شیعه آغاز شد که تداوم امامت امام رضا علیه السلام را با منافع مادی خود در تضاد می‌دیدند. گزارش کشی از وضعیت دو تن از وکلای امام کاظم علیه السلام این موضوع را به خوبی ثابت می‌کند و آن اینکه نزد دو تن از وکلای امام کاظم علیه السلام بنام حیان سراج و شخصی دیگر حدود سی هزار دینار بود و با آن پول، خانه و غلات خریدند. وقتی خبر شهادت امام کاظم علیه السلام رسید آنان انکار نمودند. «اذاعا فی الشیعه اّنه لا یموت لانه هو القائم». (همان: ۷۶۰)

امام حسن عسکری علیه السلام نیز در پاسخ به سؤال‌کننده‌ای از مردم جبل که نمی‌دانست عمومیش از واقفیان است و امام او را این‌گونه آگاهی دادند:

به عمومیت ترحم مکن، خدا عمومیت را نیامرزد، از او بیزاری بجوی، من به درگاه خدا از آنان بی‌رازم، با آنان دوستی مکن، به عیادت بیماران‌شان مرو، در تشییع جنازه‌های‌شان شرکت مکن و هر یک از آنان مرد، به آنان نماز نخوان. اگر کسی امام را که از سوی خداست انکار کند، یا امامی را بیفزاید که امامتش از سوی خدا نیست، یا انکار کند، یا بگوید سومین از سه تا تثلیث اینان مثل هم‌اند. کسی که آخرین ما را انکار کند، اولین ما را انکار کرده و کسی که به تعداد امامان بیفزاید، هم‌چون کسی است که کاسته و امامت ما را انکار کرده است. (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۵، ۲۷۴)

## ۲. مفوضه

مفوضه شعبه و گروهی از غلاتند که به این نام معروف شده‌اند. این گروه معتقدند که خداوند امر تدبیر جهان از مرگ و احیا و روزی مردمان را به امامان تفویض کرده است. (ابن بابویه، ۱۴۱۳: ج ۱، ۲۹۰؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۵، ۳۴۷)

امامان شیعه همواره با انحرافات درون مذهب به شدت و صراحت مبارزه می‌کردند و موضع خود را بیان می‌نمودند. مثلاً ابی‌هاشم جعفری از امام رضا علیه السلام در خصوص غلاه و مفوضه سؤال کردند. امام با صراحت تمام اعلام کرد که غلاة کافر و مفوضه مشرکند. و هر کسی که با آنان به هر طریقی معاشرت کند از ولایت خدا و رسولش صلی الله علیه و آله و ولایت اهل بیت علیهم السلام خارج شده است. (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۲۵، ۲۷۳) این‌گونه موضع‌گیری تند و صریح با هدف جداسازی خط راستین معرفت اهل بیت علیهم السلام از مخالفان ضرورت کار فرهنگی در جامعه می‌باشد. در زمان امام حسن عسکری علیه السلام نیز این جریان تداوم داشته و به فعالیت می‌پرداختند. گروهی از مفوضه، کامل بن ابراهیم مدنی را نزد امام حسن عسکری علیه السلام فرستادند تا با آن حضرت به گفت‌وگو

بپردازد و سؤالاتی را از حضرت نماید. چون خدمت امام رسید آن حضرت کامل را به فرزند خردسالش راهنمایی کرد. حضرت حجت علیه السلام در حالی که حدود چهار سال بیشتر نداشت کامل را با نام خطاب قرارداد و به او فرمودند: «آمده‌ای که از فلان موضوع و فلان موضوع سؤال کنی؟» کامل از گفتار حضرت به خود لرزید و سراپاگوش شد. آن‌گاه حضرت در ادامه گفتارش فرمود: «و نیز آمده‌ای تا درباره مفوضه سؤال کنی. آن‌ها دروغ می‌گویند. قلوب ما ظرف اراده خداوند عزوجل می‌باشد. هرگاه او چیزی را بخواهد ما نیز می‌خواهیم. ولی خداوند می‌فرماید: ﴿وَمَا تَشَاؤُونَ إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ﴾ (انسان: ۳۰) شما چیزی نمی‌خواهید مگر آن‌که خداوند بخواهد. آن‌گاه امام حسن عسکری علیه السلام خطاب به کامل فرمود: چرا نشسته‌ای، او (حضرت مهدی علیه السلام) به سؤالات تو پاسخ گفت: برخیز کامل نیز برخاست. (طوسی، ۱۴۱۱ق: ۲۴۷)

### ۳. تصوف

از دیگر جریان‌ات انحرافی در طول تاریخ اسلام خصوصاً در زمان اهل بیت علیهم السلام، جریان تصوف یا صوفی‌گری بود. این جریان را شاید بتوان نظیر رهبانیت در میان مسیحیان دانست. تصوف را نوعی طریق زاهدانه در زندگی می‌دانند که مبتنی بر سلوکی خاص می‌باشد این روش با هدف تزکیه و استکمال نفس و وصول حق و اعراض از دنیا صورت می‌گیرد. (سجادی، ۱۳۹۳: ۸)

موضع‌گیری سخت ائمه علیهم السلام بزرگوار شیعه در مقابل این جریان باعث گردید تا شیعیان نیز نسبت به تصوف انتقاد جدی داشته و آنان را مورد نکوهش قرار دهند. مرحوم شیخ حر عاملی صاحب اثر حدیثی *وسائل الشیعه* در رساله‌ای به نام *الاثنی عشریه فی الرد علی الصوفیه* روایاتی را در خصوص نکوهش و انکار تصوف و صوفی‌گری نقل کرده است. وی می‌نویسد:

تمام شیعیان، فرقه‌های صوفیه را انکار نموده‌اند و از امامان خویش احادیث بسیاری در نکوهش آنان نقل کرده‌اند و علمای شیعه کتاب‌های بسیاری را در رد این فرقه و اثبات کفر آنان تألیف نموده‌اند. (شیخ حر عاملی، ۱۳۹۰ش: ۵۳)

افشای ماهیت جریان تصوف و برملاسازی چهره‌های شاخص این جریان از جمله مهم‌ترین اقدامات امامان شیعه بوده است. این روش ائمه علیهم السلام کاملاً این نکته را آشکار می‌سازد که در صورت عدم برخورد مناسب امامان غیر از خطرانی که برای ریشه‌های عمیق ایمان دینی شیعیان ایجاد می‌کرد مسئله غیبت و مهدویت را نیز تحت شعاع قرار داده و به انحراف می‌کشاند. مثلاً بزنتی می‌گوید:

یکی از اصحاب ما خدمت امام صادق علیه السلام عرض کرد: در این زمان گروهی ظهور کرده‌اند که به صوفیه معروف هستند نظر شما درباره آنان چیست؟ حضرت فرمود: انهم اعداء ونا فمن مال الیهم فهو منهم و یحشرهم، آنان دشمنان ما هستند هر کس به آنان متمایل شود از ایشان است و با آنان محشور می‌شود. (نوری، ۱۴۰۸ق: ج ۱۲، ۲۳۲)

امام حسن عسکری علیه السلام نیز مانند اجداد طاهرینش به شدت با این جریان ظاهرگرا و فریب‌کار به مقابله برخواستند. آن حضرت خطاب به ابوهاشم جعفری، علمای متمایل به تصوف را شرار خلق الله علی وجه الارض (نوری، ۱۴۰۸ق: ج ۱۱، ۳۲۹) معرفی می‌کند. در جایی دیگر امام به کارگزارش در عراق نوشتند که از صوفی ریاکار بپرهیزید. (کشی، بی‌تا: ۵۳۵؛ نوری، ۱۴۰۸ق: ج ۱۲، ۳۱۸)

امام در خصوص یکی دیگر از چهره‌های جریان تصوف در زمان خود این‌گونه پاسخ دادند: دستور ما درباره ابن هلال ظاهرساز و ریاکار، پیشتر به تو رسیده بود. خدا رحمتش نکند همان نظر که دانسته‌ای، هم‌چنان باقی است، خداوند گناهش را نیامرزد و لغزشش را نپذیرد. بدون اجازه ما و رضایت ما در کار ما دخالت می‌کند و به رأی شخصی خود عمل می‌کند. (نوری، ۱۴۰۸ق: ج ۱۲، ۳۱۸؛ مجلسی ۱۴۰۳ق: ج ۵، ۳۱۸)

برخورد سخت و موضع‌گیری قاطع امام در واقع از ایجاد مرزبندی مناسب میان گفتمان شیعی راستین از دیگر تفکرات بدون ریشه در جهان اسلام حکایت دارد که زمینه را برای یک اتفاق بزرگ که آن بسترسازی مناسب برای آغاز جریان غیبت بود برای شیعیان فراهم سازد. این در حالیست که عدم برخورد قاطعانه امام با این جریانات باعث گسترش افکار انحرافی در جامعه شیعی و در نتیجه کم‌رنگ شدن باورهای مهدوی می‌شد که قطعاً امکان آماده‌سازی مقدمات غیبت با موانع برخورد می‌کرد.

#### ب) تقویت سازمان وکالت، زمینه‌سازی عصر غیبت

گسترش و پراکندگی جغرافیایی شیعیان در مناطق مختلف جهان، دوری مسافت و عدم دسترسی به امام به طور مستقیم یکی از مشکلات در عصر حضور امامان علیهم السلام بود. از این رو تقریباً از زمان امام صادق علیه السلام و به صورت جدی از دوره امام کاظم علیه السلام شبکه ارتباطی وکالت بین امام با مناطق مختلف که کانون تجمع شیعیان بود شکل و در هر دوره تقویت می‌شد. ایجاد ارتباط میان شیعیان و امام‌شان، کاربرد اصلی این نهاد بود که در ابعاد علمی، مالی و... ظهور و بروز داشت. (جباری، ۱۳۸۲ش: ۸۳)



بغداد، مدائن، مصر، کوفه و مناطق مختلفی از ایران مثل خراسان، قم، ری، طبرستان، سیستان، طالقان و اهواز از جمله مناطقی بودند که وکلای امام در آن‌جا حضور داشتند. سیاست امام حسن عسکری علیه السلام مانند اجدادشان تقویت این نهاد به منظور آماده‌سازی نهایی شیعیان برای عصر غیبت بود. فشار جریان خلافت عباسی از یک طرف و محدودیت‌های ایجاد شده برای امام حسن عسکری علیه السلام و گستردگی جغرافیایی و همچنین نزدیکی آغاز امر خطیر غیبت باعث می‌شد که این امر با حساسیت‌های مضاعف از ناحیه امام پیگیری گردد.

بررسی گزارشات تاریخی و مکاتبات امام با شیعیان حکایت از آخرین تلاش‌های امامان به خصوص امام حسن عسکری علیه السلام برای تقویت این نهاد قبل از آغاز عصر غیبت دارد. مثلاً امام به‌رغم توانایی و امکان دریافت و مواجهه مستقیم با شیعیانی که از یمن آمده بودند، عثمان بن سعید عمری را مامور دریافت اموال آنان کرد و فرمودند:

ای عثمان، تو وکیل و مورد اطمینان ما و امین به مال خداوندی، برو و از این یمنی‌ها اموالی را که آورده‌اند تحویل بگیر و در جایی دیگر امام نسبت به عثمان بن سعید فرمودند: گواه باشید که عثمان بن سعید عمری وکیل من و پسر او محمد وکیل پسر من، مهدی شماس است. (طوسی، ۱۴۱۱: ق: ۳۵)

با این جمله و آگاهی بخشی امام ضمن تأکید بر مسئله وکالت عثمان بن سعید، نسبت به امامت و معرفی حجت بعد از خودش نیز اشاره نموده است.

امام در این‌گونه اقدامات ضمن معرفی وکلای خود و تبیین شرح وظایف آنان نسبت به تبعیت شیعیان از آنان، وکلا را به رعایت تقوای الهی دعوت می‌نمودند. این‌گونه امور با هدف صیانت از جایگاه نهاد وکالت صورت می‌گرفت. یعنی از طرفی تبعیت شیعیان و از طرفی دیگر رعایت تقوا و ورع الهی توسط وکلا تدوam این جریان را تضمین می‌نمود.

امام در نامه‌ای که به ابراهیم بن عبده نوشتند ضمن تعیین ایشان به وکالت به مردم توصیه به پرداخت وجوهات به ایشان نمودند:

مردم حقوق مرا جدا کنند و به او بپردازند، او را مجاز کرده‌ام که در آنها همان‌گونه که می‌خواهد عمل کند. خداوند او را موفق بدارد و با رحمت خویش بر او منت نهند تا از کوتاهی سالم بماند. (کشی، بی‌تا: ۵۸۰)

تقویت سازمان وکالت علاوه بر رفع مشکلات ناشی از عدم دسترسی شیعیان به امام، نوعی آمادگی را برای شیعیان ایجاد کرد تا آنان در برخورد با غیبت صغری و حتی غیبت کبری،

منفعل نبوده و باتوجه به تجربه تاریخی خود در این زمینه از نوعی پویایی و انسجام رفتاری برخوردار بوده و هیچ‌گاه عدم حضور ظاهری امام مانع از حرکت در مسیر گفتمان اهل بیت علیهم‌السلام نگردد.

### پرورش افکار عمومی درباره مهدویت

اهمیت مسئله مهدویت و ضرورت تبیین دقیق خط و مشی انتظار برای شیعیان باتوجه به حساسیت مقطع زمانی امام حسن عسکری علیه‌السلام، باعث می‌شد تا بخش مهمی از موضوعات شیعیان در مواجهه‌های خود با امام نسبت به مسئله آماده‌سازی شیعیان برای مسئله غیبت مصروف سازد. شیعیان همواره کنجکاو ولادت آن حضرت و علاقمند به دانستن در خصوص ویژگی‌های عصر غیبت و جریان انتظار و در نهایت مسئله عصر ظهور بودند. بنابراین تقارن تاریخی حیات امام حسن عسکری علیه‌السلام و حساسیت زمانی و سیاسی و مراقبت‌های عباسیان باعث می‌شد تا امام درعین هوشمندی گام به گام مسائل مهدوی را در سطح جامعه شیعی مطرح نماید.

#### ۱. اطلاع‌رسانی ولادت

جامعه اسلامی به خصوص شیعیان براساس احادیث وارده که از ناحیه پیامبر اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم یازدهمین فرزند از امام علی علیه‌السلام و نهمین فرزند از نسل امام حسین علیه‌السلام که همنام با او می‌باشد را بعد از ظهورش تحقق الهی در نصرت و پیروزی اسلام و تسلط آن بر جهان را وعده داده به انتظار می‌کشید. (ابن ابی زینب، ۱۳۹۷ش: ۹۳؛ ابن بابویه، ۱۳۹۵ق: ج ۱، ۲۸۶) در این میان عوامل دستگاه خلافت با هدف جلوگیری از تحقق این وعده الهی می‌کوشیدند و از طرفی دیگر جامعه شیعه منتظر شنیدن خبر ولادت آن حضرت با هدف امیدبخشی در بستر آن عصر بودند. لذا از این جهت همواره با حساسیت پیگیر ولادت دوازدهمین امام از نسل امام حسن عسکری علیه‌السلام بودند.

در این میان امام حسن عسکری علیه‌السلام در گام نخست نسبت به مؤده ولادت اقدام تا شیعیان را از نگرانی تاریخی خود نجات دهد. در مرحله اول اهل منزل را نسبت به اتفاق آینده و حساسیت کار قبل از ولادت مطلع می‌کردند و تفاوت این ولادت را با بقیه فرزندان که در این خانه به دنیا می‌آمدند را متذکر می‌شدند. در گزارش علان رازی است که امام به نرجس خاتون فرمودند: «که به زودی به پسری باردار خواهی شد، نام او محمد است و او قائم پس از من

است.» (ابن بابویه، ۱۳۹۵ق: ج ۲، ۴۰۸؛ خزاز رازی، ۱۴۰۱ق: ۲۹۴) یا در خصوص تعجب نرجس خاتون از نزدیک شدن پرندگان به نوزاد تازه متولد شده امام پس از لبخندی فرمودند: «آنان فرشتگانی‌اند که برای تبرک جستن به امام بر این مولود فرود می‌آیند، هنگامی که ظهور کند، آنان یاوران اویند.» (ابن بابویه، ۱۳۹۵ق: ج ۲، ۴۳۱) این‌گونه اطلاع‌رسانی‌ها در آستانه ولادت یا پس از آن در محدوده اهل منزل و برای آمادگی در مواجهه با ولادت خاص صورت می‌گرفت و در مرحله بعد شکل خاص‌تری در محدوده شیعیان انجام می‌گرفت که به دو صورت اجرایی می‌گشت. یکی از روش‌ها اطلاع‌رسانی امام به صورت مکتوب بود. این نوع اطلاع‌رسانی‌های با توجه به فضای خفقان سیاسی و مراقبت‌های شدید امام در سامرا فقط در محدوده خواص شیعیان صورت می‌گرفت. گاهی مخاطب یکی از افراد مورد اطمینان بوده بنابراین به جزییات اشاره می‌شد و گاهی نیز به خاطر رعایت امور امنیتی به صورت کلی بیان می‌شد.

خزاز قمی به نقل از موسی بن جعفر وهب بغدادی نقل می‌کند که نامه‌ای از طرف امام حسن عسکری علیه السلام برای شیعیان صادر شد:

پنداشتند که می‌خواهند مرا بکشند تا این نسل را قطع کنند، خداوند متعال هم سخن‌شان را دروغ ساخت و خدا را سپاس. (ابن بابویه، ۱۳۹۵ق: ج ۲، ۴۰۷؛ بحرانی، ۱۴۲۷ق: ۱۴۰)

این جمله ضمن اشاره به توطئه شوم عباسیان برای دشمنی با اهل بیت علیهم السلام اشاره و نویدبخش به ولادت حضرت حجت عجل الله تعالی فرجه الشریف می‌باشد. چرا که ولادت یعنی تداوم جریان امامت که شنیدن آن برای شیعیان منتظر مایه دلگرمی و امید است. در مواردی که مخاطب از شیعیان و خواص مورد اعتماد می‌باشد آن حضرت با اشاره به جزئیات هر گونه ابهام را از بین می‌برند.

مثلاً در نامه‌ای که امام برای احمد بن اسحاق به خط خود نگاشتند، این چنین فرمودند: برای ما فرزندی به دنیا آمد، بیشتر پنهان بماند و از همه مردم پوشیده باشد. ما خبر را آشکار نکردیم مگر به نزدیک‌ترین خویشان، به خاطر خویشاوندی و به دوست، به خاطر ولایتش، دوست داشتیم که به تو اعلام کنیم تا بدین سبب خداوند تو را شاد کند، آن‌گونه که ما با آن شاد کردیم. والسلام! (ابن بابویه، ۱۳۹۵ق: ج ۲، ۴۳۳)

با توجه به نقش و موقعیت احمد بن اسحاق در منطقه امام ضمن اطلاع از جریان ولادت حضرت حجت عجل الله تعالی فرجه الشریف بر ولایت‌پذیری او مهر تأیید می‌زنند و از او می‌خواهند که این امر را

پنهان نگه دارند.

## ۲. اقدامات عمومی

عملکرد امام ناظر به یک سری اقداماتی است که بعد از اطلاع‌رسانی به خواص خود انجام دادند تا در بین شیعیان مسئله خبر ولادت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف تثبیت گردد. امام ضمن دستوری به ابراهیم بن ادريس از وی می‌خواهند که به خاطر به دنیا آمدن فرزندش دو قوچ از طرف امام عقیقه نماید. امام دستور می‌دهد از گوشت آن هم خود بهره‌مند شود و هم برادران‌شان را هم بهره‌مند سازد که او نیز همین کار را انجام داد. (طوسی، ۱۴۱۱ق: ۲۴۶)

این نوع اقدامات صرف نظر از انجام اعمال مستحب ولادت فرزندان نوعی اقدام عملی برای آگاه نمودن عمومی شیعیان از ولادت حضرت حجت عجل الله تعالی فرجه الشریف می‌باشد.

محمد بن ابراهیم کوفی می‌گوید:

امام حسن عسکری علیه السلام گوسفند ذبح شده‌ای را نزد بعضی از افراد فرستادند و فرمودند: این از عقیقه فرزندم محمد است. (ابن بابویه، ۱۳۹۵ق: ج ۲، ۴۳۳؛ شیخ حر عاملی، ۱۳۹۰ش: ج ۱۶، ۲۴۳) (هذه من عقیقه ابني محمد)

ابو جعفر عمری نیز در گزارش می‌گوید:

چون حضرت حجت علیه السلام به دنیا آمد امام فرمودند: سراغ ابو عمر بفرستید. کسی را نزد او فرستادند، خدمت حضرت رسید. امام به او فرمودند: ده هزار رطل نان بخر و ده هزار رطل گوشت و آن را تقسیم کن. (ابن بابویه، ۱۳۹۵ق: ج ۲، ۴۳۱؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق: ج ۵، ۵۱)

این‌گونه اقدامات عملی باعث می‌شد تا خبر ولادت در نزد تردیدکنندگان تثبیت شده و راه را در آینده برای هرگونه تشکیک‌کننده این خبر ببندد.

## ۳. معرفی فرزند خود به خواص (معرفی جانشین)

تمامی امامان بزرگوار شیعه خصوصاً بعد از امام رضا علیه السلام در آماده‌سازی شیعیان برای عصر غیبت تلاش نمودند. ویژگی ولادت پنهانی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف سبب اقدامات خاصی از سوی امام شد. در صورتی که اگر این‌گونه اقدامات توسط امام صورت نمی‌گرفت قطعاً در آینده باعث سوءاستفاده دشمنان و اختلاف شیعیان به سبب تعیین مصداقی حضرت حجت عجل الله تعالی فرجه الشریف می‌گشت.

مثلاً تأکید امام در بیان نام فرزند تازه متولد شده برای آن است که جامعه شیعه از باب

روایاتی که از پیامبر صلی الله علیه و آله رسیده بود آخرین ذخیره الهی را همانم خود پیامبر صلی الله علیه و آله می‌دانستند. لذا امام حسن عسکری علیه السلام در هر جلسه‌ای حضرت مهدی عجّل الله تعالی فرجه الشریف را به اصحاب نشان می‌داد تا کید بر نام و ویژگی‌های آن حضرت نیز داشتند.

امام حسن عسکری علیه السلام فرزند خود را (حضرت مهدی عجّل الله تعالی فرجه الشریف) را به عمرو اهوازی نشان دادن و فرمودند:

پس از من امام شما این است. (کلینی، ۱۴۰۷ق: ج ۱، ۳۲۸)

ابوغانم خادم می‌گوید:

فرزندی برای امام حسن عسکری علیه السلام به دنیا آمد، نامش را محمد گذاشت. در روز سوم او را به اصحاب خود نشان داد و فرمود: پس از من او امام شما و جانشین من بر شماست. (شیخ حر عاملی، ۱۴۰۹ق: ج ۱۶، ۲۴۳؛ ابن بابویه، ۱۳۹۵ق: ج ۲، ۴۳۱)

مرحله ولادت حضرت حجت علیه السلام تا زمان آغاز غیبت صغری آن حضرت باتوجه به شرایط و اقتضائات نیازمند تدابیر هوشمندانه‌ای بود که امام حسن عسکری علیه السلام همزمان در عرصه‌های مختلف آنان را به شایستگی انجام می‌دادند. پاسخ به شیعیان و مطالبه‌گران امامت بعد از امام نیز از همین روست. امام در پاسخ به سؤال عثمان بن سعید که در حضور چهل نفر از شیعیان نسبت به امام بعد از امام حسن عسکری علیه السلام سؤال نمودند ضمن نشان دادن و اشاره به حضرت مهدی عجّل الله تعالی فرجه الشریف که در آن زمان کوچک بودند فرمودند:

امام شما پس از من و جانشین من بر شما اوست. از او فرمانبرداری کنید و پس از من دچار تفرقه نشوید که در دین‌های خود هلاک گردید. آگاه باشید، از امروز به بعد شما او را نمی‌بینید تا آن‌که عمری از او به کمال رسد. هرچه عثمان به سعید می‌گوید از او بپذیرید و شنوای فرمانش باشید و سخن او را قبول کنید، که او جانشین امام شماست و امر به او بر می‌گردد. (ابن بابویه، ۱۳۹۵ق: ج ۲، ۴۳۵؛ طوسی، ۱۴۱۱ق: ۳۵۷)

معرفی مصداق امام بعد از خود به همراه شرایط قبل از غیبت و هشدار به شیعیان در خصوص آماده‌سازی خود و تبعیت از نایب امام در چنین شرایطی از ویژگی‌های این گونه موضع‌گیری امام می‌باشد.

#### ۴. تبیین شخصیتی امام بعد

معرفی و تعیین مصداق امام بعد از امام حسن عسکری علیه السلام به همراه تبیین ویژگی‌های شخصیتی آن حضرت با هدف انسجام درونی جامعه شیعی و آماده‌سازی حداکثری برای آغاز

عصر غیبت صغری صورت می‌گرفت، تبیین شخصیتی با هدف افزایش انگیزش شیعیان در ثبات و پایداری در زمان عدم دسترسی به امام صورت می‌گرفت. برای شیعیان اگرچه دسترسی مستقیم به امام امکان‌پذیر نبود ولی وقتی متوجه حضور معنوی امام در زندگی فردی و اجتماعی خود می‌شد او را همواره ناظر و حاضر می‌دانستند باعث قوت درونی و تقویت ایمانی به مسئله غیبت می‌شدند.

احمدبن اسحاق نزد امام حسن عسکری علیه السلام رفتند تا از امام در خصوص جانشین پس از خود سؤال کنند. حضرت پیش از آن‌که او بپرسد بیان ضرورت حضور امام و حجت الهی در هر زمانی در خصوص ویژگی‌های شخصیتی حضرت حجت علیه السلام فرمودند:

مثل او مثل خضر است، مثل او مثل ذوالقرنین است. خضر از آب حیات نوشید و حیات جاویدان یافت تا آن‌گاه که در صور دمیده شود. خضر همه سال در موسم حج حضور می‌یابد و در عرفات وقوف می‌کند و دعای مؤمنان را آمین می‌گوید و خداوند به سبب او وحشت و تنهایی قائم ما را در دوران غیبتش به انس تبدیل می‌کند او را به وی پیوند می‌دهد. (قطب‌الدین راوندی، ۱۴۰۹ق: ج ۳، ۱۱۷۴؛ شامی، ۱۴۲۰ق: ۷۵۹)

در فرازی دیگر امام در خصوص تبیین شخصیت فرزند خود به محمدبن صالح بزاز می‌فرماید:

پسرم، قائم پس از من است، او کسی است که سنت‌های پیامبران هم چون عمر طولانی و غیبت درباره او جاری است، تا آن‌جا که به خاطر طول کشیدن غیبت دل‌ها سخت می‌شود. و جز کسانی که خداوند اینان را در دل‌شان ثبت کرده و با روحی از سوی او تأییدشان کند، بر اعتقاد به او ثابت نمی‌مانند. (ابن بابویه، ۱۳۹۵ق: ج ۲، ۵۲۴؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق: ج ۵۱، ۲۲۴)

##### ۵. تبیین شرایط دوران غیبت

امام حسن عسکری علیه السلام غیر از معرفی امام و حجت پس از خود، نسبت به تبیین شخصیت آن امام نیز اهتمام ویژه داشتند. اما این به تنهایی کفایت سؤالات و ابهامات اذهان عمومی جامعه شیعی را نمی‌کند افکار عمومی شیعه می‌بایست غیر از مسئله غیبت از چگونگی و شرایط آن مطلع می‌شدند. آنچه که از گزارشات تاریخی استفاده می‌شود در شرایط دوران غیبت و اقتضائات آن، امام می‌بایست سختی و ویژگی‌های این دوران را نیز برای شیعیان تبیین نماید تا شیعیان با آمادگی بیشتر این مراحل را آغاز نمایند. بدیهی است اطلاع از شرایط و ویژگی‌های دوران آسیب‌های دوران غیبت و عدم دسترسی امت به امام را به حداقل می‌رساند.

از جمله کلیدواژه‌های به کار رفته در کلام امام حسن عسکری علیه السلام اشاره به دوره طولانی غیبت می باشد که باعث سختی قلوب خواهد شد:

هو الذی یجری فیه سنن الانبیاء بالتعمیر و الغیبه، حتی تقسو القلوب لطول الامه. (ابن بابویه، ۱۳۹۵ق: ج ۲، ۵۲۴)

این واژگان هشدار لازم را به شیعیان می دهد که دوره طولانی انتظار، شما را از ظهورش خسته و قلب های شما را سخت نکند. ضمن این که در دوران طولانی غیبت شناخت امام و حجت واقعی لازم و ضروری است امام در پاسخ به سؤال شخصی که از او درباره امام و حجت پس از امام حسن عسکری علیه السلام پرسیدند. این گونه پاسخ دادند که پسر محمد، پس از من امام و حجت است. هر کس بمیرد و او را نشناسد. به مرگ جاهلیت مرده است. آگاه باش که او را غیبتی خواهد بود که جاهلان در آن مدت سرگردان خواهند شد و پیروان باطل هلاک خواهند گشت و تعیین کنندگان وقت در آن مدت دروغ می گویند. (ابن بابویه، ۱۳۹۵ق: ج ۲، ۴۰۹)

امام در این مطلب نیز ضمن اشاره به دوران طولانی غیبت بر لزوم شناخت حضرت حجت علیه السلام تأکید داشته و به یکی از آسیب های این دوران که همان تعیین وقت ظهور از ناحیه افراد فرصت طلب است اشاره و به شیعیان هشدار لازم را می دهد «یکذب فیها الوقتون». (ابن بابویه، ۱۳۹۵ق: ج ۲، ۴۰۹)

امام به منظور جلوگیری از تشنّت بین شیعیان در دوران پس از خود به یکی دیگر از آفت های شرایط غیبت که همان اختلاف است اشاره می کند و این گونه به تبیین می پردازند که گویا می بینم که پس از من درباره جانشینم اختلاف کرده اید. آگاه باشید، آن که پس از پیامبر صلی الله علیه و آله به امامان اعتراف کند، اما فرزندم را منکر شود، هم چون کسی است که همه پیامبران و فرستادگان خدا را قبول کند اما نبوت پیامبر خدا را انکار کند. منکر رسول خدا همچون کسی است که همه پیامبران را انکار کند، چرا که اطاعت آخرین ما مثل اطاعت اولین ماست.

و منکر آخرین ما منکر اولین ماست. آگاه باش که فرزندم غیبتی خواهد داشت که در آن مدت مردم به شک می افتند. مگر آن که خدای متعال نگاهش بدارد. (ابن بابویه، ۱۳۹۵ق: ج ۲، ۴۰۹)

ج ۲، ۴۰۹)

#### ۶. تبیین عصر ظهور

امام حسن عسکری علیه السلام با هدف افزایش آگاهی و امید به آینده در کنار تبیین شرایط سخت

دوران غیبت نسبت به پیامد شیرین طی نمودن موفق دوران غیبت، ترسیمی از عصر ظهور را برای شیعیان به تصویر می‌کشد. امام در پاسخ به سؤال حسن بن ظریف، در خصوص چگونگی مسئله قضاوت حضرت حجت عجل الله تعالی فرجه الشریف در عصر ظهور این‌گونه جامعه آینده را به تصویر کشیدند: چون (قائم ما) قیام می‌کند، با علم خود میان مردم داوری می‌کند همچون حضرت داوود و شاهد نمی‌خواهد. (کلینی، ۱۴۰۷ق: ج ۱، ۵۰۹)

در جایی دیگر امام حسن عسکری علیه السلام به نقش حضرت حجت علیه السلام در ویران نمودن آثار بدعت در جامعه که هیچ ریشه و مبنای اسلامی ندارد. اشاره می‌کند و می‌فرماید: هرگاه قائم قیام کند مناره و مقصوره‌ها را در مساجد ویران می‌کند. که وقتی برای حاضران سؤال پیش می‌آید که انگیزه این کار حضرت حجت برای چیست؟ ایشان می‌فرمایند که معنی آن این است که این‌ها نوظهور و بدعت است و نه پیامبر و نه حجت آن‌ها را نساخته است. (طوسی، ۱۴۱۱ق: ۲۰۶)

امام عصر ظهور حضرت حجت عجل الله تعالی فرجه الشریف را عصر غلبه عدل و داد بر ظلمت و بیداد می‌داند و برای مظلومانی که همواره به خاطر پر شدن زمین از ظلم و بیداد هیچ یاوری ندارند بشارت می‌دهند. در گزارش ابوغانم از امام حسن عسکری علیه السلام این چنین آمده است: اوست قائم که گردن‌ها به انتظار او کشیده می‌شود، پس آن گاه که زمین پر از ظلم و بیداد شده باشد خروج می‌کند و آن را پر از عدل و داد می‌سازد. (ابن بابویه، ۱۳۹۵ق: ج ۲، ۴۳۱؛ شیخ حر عاملی، ۱۴۰۹ق: ج ۱۶، ۲۴۳)

این‌گونه تبیین‌ها با هدف ایجاد فضای امیدبخش به شیعیانی است که در آستانه عصر غیبت قرار دارند و می‌بایست آمادگی خود را برای ورود به این مرحله از امتحان ایجاد نمایند.

### نتیجه‌گیری

با بررسی و تحلیل عملکرد و سیره امامان معصوم علیهم السلام خصوصاً ابناء الرضا علیهم السلام در مواجهه با مسئله مهدویت و آماده‌سازی شیعیان برای ورود به عصر غیبت به این نتیجه خواهیم رسید که این امامان به خصوص با توجه به شرایط زمانی امام حسن عسکری علیه السلام تمامی تلاش خود را در راستای مهیا کردن شیعیان برای ورود به عصر غیبت نمودند.

در این میان با همه محدودیت‌های سیاسی ایجاد شده از ناحیه دشمنان و دستگاه جور عباسی برای امام حسن عسکری علیه السلام ایشان ضمن مبارزه جدی با جریان‌های انحرافی مانند واقفیه، صوفیه، مفوضه به تقویت سازمان وکالت به عنوان آخرین امام حاضر پرداختند.



امام حسن عسکری علیه السلام ضمن تلاش برای پرورش افکار شیعیان درباره مسئله مهدویت با اطلاع رسانی های به موقع خبر ولادت حضرت مهدی علیه السلام و تثبیت آن در نزد افکار عمومی شیعیان، نسبت به بالابردن و آگاهی بخشی این امر اهتمام ویژه داشتند. معرفی مصداقی و نشان دادن سیمای آن حضرت به خواص شیعیان و تبیین شرایط و ویژگی های عصر غیبت و مسئله عصر ظهور با هدف ارتقای سطح آگاهی شیعیان از این رویداد و برخورد هوشمندانه و آگاهانه با این مهم از جمله مهم ترین اقدامات امام حسن عسکری علیه السلام برای آماده سازی شیعیان به منظور ورود به مرحله تاریخی بوده است.

## منابع

### قرآن کریم

۱. ابن ابی زینب، محمد بن ابراهیم (۱۳۹۷ق)، *الغیبه*، محقق: علی اکبر غفاری، تهران، نشر صدوق.
۲. ابن الاثیر، ابوالحسن علی بن ابی الکرّم (۱۳۸۵ق)، *الکامل فی التاریخ*، بیروت، دارصادر.
۳. ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۹۵ق)، *کمال الدین و تمام النعمه*، محقق: علی اکبر غفاری، تهران، اسلامیه.
۴. ابن بابویه، محمد بن علی (۱۴۱۳ق)، *من لایحضره الفقیه*، مصحح: علی اکبر غفاری، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
۵. ابن شهر آشوب، محمد بن علی (۱۳۷۹ق)، *مناقب آل ابی طالب علیهم السلام*، قم، علامه، اول.
۶. امین، محسن (۱۴۰۳ق)، *اعیان الشیعه*، بیروت، دارالتعارف للمطبوعات.
۷. بحرانی، سیدهاشم بن سلیمان (۱۴۲۷ق)، *بوجه النظر فی اثبات الوصایه و الامامه لائمه الاثنی عشر*، محقق: عبدالرحیم مبارک، مشهد، بنیاد پژوهش های اسلامی آستان قدس رضوی.
۸. البحرانی، میثم بن علی میثم (بی تا)، *النجاه فی القیامه فی تحقیق امر الامامه*، بی جا، مرکز ابیات العقائدیّه.
۹. پیشوائی، مهدی (۱۳۷۶ش)، *سیره پیشوایان*، قم، مؤسسه امام صادق علیه السلام.
۱۰. جباری، محمدرضا (۱۳۸۲ش)، *سازمان وکالت و نقش آن در عصر ائمه*، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام.
۱۱. حر عاملی، محمد بن حسن (۱۳۹۰ق)، *رساله الاثنی عشریه فی الرد علی الصوفیه*، قم،

- انصاریان .
۱۲. حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹ق)، *وسائل الشیعه*، محقق: مؤسسه آل البيت علیهم السلام، قم، مؤسسه آل البيت علیهم السلام.
۱۳. خزاز رازی، علی بن محمد (۱۴۰۱ق)، *کفایة الاثر فی نص الائمة اثنی عشر*، محقق و مصحح: عبداللطیف حسینی کوه کمره ای، قم، بیدار.
۱۴. سجادی، سیدضیاء الدین (۱۳۹۳ش)، *مقدمه ای بر مبانی عرفان و تصوف*، تهران، سمت.
۱۵. شامی، یوسف بن حاتم (۱۴۲۰ق)، *الدر النظیم فی مناقب الائمة اللها میم*، قم، جامعه مدرسین.
۱۶. طوسی، محمد بن الحسن (۱۴۱۱ق)، *الغیبه*، محقق: عبادالله تهرانی و علی احمد ناصح، قم، دارالمعارف اسلامیة.
۱۷. قطب الدین راوندی، سعید بن هبة الله (۱۴۰۹ق)، *الخرائج والجرائح*، قم، مؤسسه امام مهدی علیه السلام.
۱۸. کشی، محمد بن عمر (بی تا)، *رجال الکشی*، محقق و مصحح: مهدی رجایی، قم، مؤسسه آل البيت علیهم السلام.
۱۹. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق)، *الکافی*، محقق: علی اکبر غفاری و محمد آخوندی، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
۲۰. مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۳ق)، *بحار الانوار*، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
۲۱. مسعودی، علی بن الحسین (۱۳۸۴ش)، *اثبات الوصیه*، قم، انصاریان.
۲۲. مسعودی، علی بن الحسین (۱۴۰۹ق)، *مروج الذهب*، محقق: اسعد داغر، قم، دارالهجره، دوم.
۲۳. نعمان، محمد بن محمد (۱۴۱۳ق)، *الارشاد فی معرفه حجج الله علی العباد*، مصحح: مؤسسه آل البيت علیهم السلام، قم، کنگره شیخ مفید.
۲۴. نوری، حسین بن محمد (۱۴۰۸ق)، *مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل*، محقق و مصحح: مؤسسه آل البيت علیهم السلام، بی جا، بی نا.

